



قیام خونین عاشورای حسینی

صفحه ۵

انسان وقانون

صفحه ۸



طلوع وحدت

ارگان نشریات کربلایی و کربلاییان در کابل

سال سوم - شماره (۲۷) سرطان ۱۳۷۲ هـ ش ۱۴۱۴ هـ ق ۱۹۹۲ میلادی

مدیریت و فرماندهی در اسلام

رامنحصر به وزرا، رؤسای ادارات و مجتمع ها و شرکت ها امیداند، بلکه هر شخصی لا اقل در محدوده خوانواده اش بامسئله مدیریت و فرماندهی درگیر است. اگر در این رشته نیروهای زیاد را تعلیم و تربیت نمایم و اصول و ضوابط که در مسئله مدیریت است و فرماندهی است به نحو احسن به کار گرفته شود خواهیم دید که راههای دور و نزدیک و راههای صعب العبور آسان و تلاش ها

صفحه ۳

مدیریت و فرماندهی یک مسئله بسیار مهم است، چون زندگی اجتماعی، و فردی هر روز در میان ملل دنیا پیچیده تر و رشد روز افزون جمعیت در جهان این را می طلبد که روی نیروهای انسانی در رشته مدیریت و فرماندهی بیشتر کار شود، خواه نخواه هر شخص به یک نحوی بامسئله مدیریت و فرماندهی سروکار دارد، اینطوری نیست که بعضی های پندارند که مدیریت و فرماندهی

صفحه نظامی گری و گشتار در کابل کم کم ورق می خورد

واضع و شرایط بیش از حد تصور متشنج و ناپایمان بنظر میرسد. خودخواهی، تعصب، لجاجت و دریغ کلام روحیه عدم پذیرش و تحمل هم دیگر آینه ده

صفحه ۴

یکسال و اندی قبل حکومت پوشالی نجیب در حالی سقوط کرد که سردمداران احزاب جهادی در بیرون مرزهای افغانستان در اوج اختلافات و کشمکش ها بسر میبردند

متن سخنرانی آقای حکمتیار نخست وزیر افغانستان

روز عاشورای حسینی در کابل

صفحه ۷

گزارشی از مراسم عزاداری در سالگرد

شهدای کربلا

صفحه ۶

گزارش های رسیده از کابل

صفحه ۱۰

آقای حکمتیار نخست وزیر جنرال دوستم ملاقات کرد

جنرال دوستم با استاد مزاری ۴ ساعت ملاقات نمود

جنرال دوستم رهبر جنبش ملی اسلامی وارد کابل گردید

استاد مزاری نماینده عالی رتبه سیاف را بحضور پذیرفت



بروز تحولات جدید در کابل نشانه حقیقت جوش است

هموطنان گرامی مادر جریان حوادث و طعن محبوب شان بوده هستند که در طول یکسال و اندی در کابل و بعضی نواحی دیگر افغانستان اتفاقات بسیار تلخ و ناگواری پیش آمده و در اثر برخورد های سنگین نظامی تلفات جانی و مالی بی شماری متوجه مردم شریف و مظلوم کابل گردیده است. هرگاه جلساتی هم پیرامون حل معضله از طریق مذاکرات سیاسی بعمل آمده متأسفانه در اثر لجاجت خودخواهی و انحصار طلبی بعضی از جناحهای درگیر منجر به امضای معاهدات ناقصی گردیده که هیچگاه در عمل پیاده نشده و یا اصلاً بعلت ناقص بودن آن قابل تطبیق نبوده میثاق جلال آباد که آخرین معاهده میان گروهها و احزاب جهادی است نیز به موانعی برخورد کرده انحصار طلبان با اینکه خود آنرا پذیرفته و امضا نموده اند حاضر به تطبیق

صفحه ۲

((آنچه که درین شماره میخوانید))

- ۱- بروز تحولات جدید در
- ۲- قیام خونین عاشورای حسینی
- ۳- انسان وقانون
- ۴- مدیریت و فرماندهی در اسلام
- ۵- صفحه نظامی گری و گشتار در
- ۶- متن سخنرانی آقای حکمتیار
- ۷- گزارشی از مراسم عزاداری در
- ۸- گزارش های رسیده از کابل
- ۹- دوبیتی هزاره کی



بروزتحولات

و عملی شدن آن نگر دیدند، تعلل ورزیدند، در این میان حزب وحدت اسلامی با وجود اینکه معاهده را بعلت اینکه جایگاه جنبش ملی اسلامی در معاهده روشن نبوده و هم در میزان سهم گیری گروهها ملاحظاتی داشته ضمن تقاضای رفع اشکال بخاطر ایجاد فضای صلح و آرامش و مصالح علیای مردم و کشور صادقانه در پی تحقق و عملی شدن آن بوده چنانچه استادمزاری دبیرکل حزب وحدت اسلامی طی مصاحبه اختصاصی با رادیو پیام آزادی می فرماید "متأسفانه با وجود آغاز کار کابینه پس از مراسم تحلیف هنوز هم صلح، آرامش و ثبات به کشور بازنگشته و جنگ همچنان ادامه دارد" در همین مصاحبه در جای دیگری از سخنانش میفرماید "ایجاد موانع سرراه تشکیل شورای وزیران امید مردم را به یأس مبدل کرده است"

آری آنچه که تا حال در جریان مذاکرات غرض حل بحران مطرح نبوده و بان توجه و ارزشی قائل نگردیده اند، حقیقت های عینی عدالت اجتماعی، دخالت دیگران و تحمیل هم دیگر بوده که بهمین دلیل تمامی معاهدات یکی پس از دیگری نقص شده و عملی نگردیده که ما معتقدیم تا زمانی که به این واقعیت ها توجه صورت نگیرد دو بان همه جناحها تن در ندهند هرگونه تلاش های دیگر چه از طریق نیرنگهای سیاسی باشد، چه از طریق زور آزمائی نظامی محکوم به شکست خواهد بود، چنانچه عملکرد های گذشته بوضوح نشان میدهد.

با این وصف درین اواخر تحولات جدیدی در کابل بروز نموده که نشانه از حقیقت جوئی است. زیرا در تاریخ ۷ ر ۱۹۹۳ م یک هیئت عالیرتبه ای تحت سرپرستی و کیل بازمحمد از سوی آقای سیاف حضور استادمزاری فرستاده شده، ایشان ضمن اظهار ندامت از جنگهایی که تاکنون بین اتحاد اسلامی و حزب وحدت اسلامی بوجود آمده صراحتاً "اعلام نموده اند که: "جنگهای گذشته نتیجه سوء تفاهم بوده، زیرا اتحاد اسلامی و حزب وحدت اسلامی چیزی ناتقسیم نداشتند"

ایشان افزوده است که در جریان جنگ آنانی که بظاهر میانجیگری مینمودند اهداف خاص سیاسی خود را دنبال میکردند حال شما درباره حل جنگ چه دستور میفرمائید؟

استاد مزاری ضمن اشاره به تجربیاتی گذشته، شمت در صدامل جنگها را بعهده شورای نظار دانسته هیئتی را غرض ایجاد صلح و امنیت و مذاکره با اتحاد اسلامی توظیف نمودند.

هموطنان گرامی! اگر به سخنان وکیل

باز محمد، پس هیات اتحاد سیاف بدقت و بی غرضانه توجه نمائیم حقیقت را در مییابیم که تصور تحمیل آنهمه جنگها، ویرانی و بربادی شهر کابل و قتل عام مردم مظلوم این شهر کیست؟ آنجا که وکیل بازمحمد بنمایندگی از اتحاد اسلامی اعتراف مینماید که نتیجه جنگهای گذشته سوء تفاهم بوده و دوام آن کار انانی بوده که بظاهر میانجیگری مینمودند ولی اهداف سیاسی خود را دنبال میکردند پس در این میان حزب وحدت اسلامی چه گناهی داشته؟ آیا رونما شدن این حقایق سند گویا و ژنده ای دال بر حقانیت حزب وحدت اسلامی نیست؟

از سوی دیگر جنرال عبدالرشید دوستم رهبر جنبش ملی اسلامی شمال کشور نیوز در راس یک هیات عالیرتبه وارد کابل گردیده ایشان هدف از آمدن خود را در کابل میانجیگری میان گروههای متخاصم و رسمیت بخشیدن جنبش ملی اسلامی در زمره جریانات سیاسی دیگر کشور اعلام داشته و تا حال درین رابطه مذاکرات متعددی داشته است، منجملاً در تاریخ ۱۶ ر ۴ ۱۳۷۲ بمدت ۴ ساعت با استادمزاری ملاقات نموده و نتیجه مذاکرات را طرفین مفید خوانده و اعلام داشته اند که ملاقات پیرامون چگونگی صلح و امنیت در کابل بوده که مورد توافق طرفین واقع شده تا ابتدا آتش بس فوری و صلح سرتاسری بعمل آمده آنگاه در جهت برقراری یک حکومتی که مبتنی بر عدالت اجتماعی باشد تلاش گردد.

در همین سلسله جناب آقای حکمتیار نخست وزیر منتخب در روز عاشورای حسینی در مراسم عزاداری واقع در دشت آزاده گان کابل با تمام اطرافیان خود شرکت نموده و درین مراسم سخنرانی نموده است، ایشان در بخش از سخنان خود فرموده است "۰۰۰ در کشور ما هم مبارزه میان یزید و یزیدیان و پیروان امام حسین (رض) تا اقامه حکومت اسلامی و تاءمین عدالت اجتماعی ادامه دارد ۰۰۰"

از طرف دیگر در پی این حرکات جدید مذاکراتی پیرامون صلح و ثبات در کشور میان شورای نظار و حزب وحدت اسلامی در اثر پیغامی در میانی جنبش ملی اسلامی آغاز و کمیونهای در زمینه توظیف شده است

به این ترتیب از مجموع مسائیل و رویدادهائی که در این روزها بروز نموده بنظر میرسد تمامی جناحهای سیاسی و نظامی کشور به این نتیجه رسیده اند که قضیه از طریق نظامیگری قابل حل نیست و هم نمیتوان همانند گذشته کسی را در کشور نادیده گرفت همچنین حزب وحدت اسلامی را بعنوان یکی از قدرتمندترین جریان سیاسی، نظامی کشور پذیرفته و این دید از آنجائش میگردد که حزب وحدت اسلامی بعنوان تنها حزبی که مواضع آشکار، موجه و ثابتی داشته و همواره سیاست واقعینانانه ای را در حل بحران کشور اتخاذ نموده است

که حال در اثر همین ویژه گی ها بعنوان محور حل قضیه غم انگیز وطن قرار گرفته و احتمالاً طرح چهار جانبه، راکه قبلاً "حزب وحدت اسلامی برای رفع معضله ارائه نموده بود مورد قبول جناحها واقع شده و انرا پیگیری نمایند.

پایان
۲۲ ر ۴ ۱۳۷۲

مدیریت و...

بلکه ارکارهای گذشته خود اظهار پشیمانی هم میکند، برای اینکه کارها تداوم داشته باشد و تشکیلات و حکومت پیشرفت سیل آسا داشته باشد، باید مدیر و فرمانده از عوامل سقوط و انحطاط جلوگیری نماید، که عوامل انحطاط و سقوط عبارت اند از:

- ۱- روحیه تکاثر و جمع المال در بین افرادی که در یک تشکیلات کار میکنند.
 - ۲- سوء ظن و بدبینی برای بقا و استمرار یک تشکل مضر است.
 - ۳- پند ناپذیری از خداه و پیش آمد ها.
- اگر در تشکیلات و دستگاه کمتی مطرح باشد نه کیفیت و در بین تشکیلات بدبینی ها رشد نماید و مدیران و فرماندهان و کارکنان در صدد جمع آوری مال باشد نه خدمت برای مردم و از گذشته پند و عبرت نگیرد. مسلماً موجب سقوط تشکیلات را فراهم میکند خواه نخواه باید روزی بساط این تشکیلات برچیده شود.
- و از خدای بزرگ مسئله دارم به فرماندهان و مدیران ما آگاهی، تقوا، ایمان، شجاعت و مدارای بموقع، قاطعیت، دفاع از مظلومین و دفاع از حق عنایت فرماید.

پایان

انسان و قانون

بچرند . قل الله ثم درهم فی حوضهم
یلعبون . ودر آیه دیگر میفرماید:
درهم یا کلو او یتمنعو او یلهبهم الامل فسوف
یعلمون - بگذار بخورند، بهره مند شوند
و آرزوی آنان ایشان را سرگرم سازد، پس
بزودی خواهند دانست .

پایان



مدیریت و فرماندهی در اسلام

از: علی ظفر حکیمی

پرترواستبدادهای درسینه مانده شکوفا و پیروزی و موفقیت حتمی خواهد بود. از آن جایکه بحث مایپرامون مدیریبت و فرماندهی در اسلام است، اگر بتوانیبت این موضوع را از متون اسلامی بنحو خبتر استنباط کرده وبه کارگیری بسیار از مشکلات وموانع که بر سر راهمان است برداشته خواهد شد.

این رامیدانیم این همه مشکلات که در کشور هاپیش میآید نه بخاطر کمبودهاست بلکه ضعف بعضی از مدیریبت هاست که این همه مشکلات را ببار می آورد اما در کشور افغانستان کمبود هاهم است ولی انکار حقایق ونادیده گرفتن حقوق ملیت های محروم وقبضه کردن قدرت را گروه خاصی که در نتیجه مربوط میشود به ضعف مدیریبت وفرماندهی کمبودها وضعف های مدیریبت آستن چنین حوادث است.

ومیدانیم که مدیریبت وفرماندهی نوعی ایدئولوژی است، بدین معنی که مدیریبت وفرماندهی یکی از باید هاست مدیر باید چنین باشد، فرمانده باید چنان باشد، ومیدانیم که باید هاهمیشه وقت از هستیها نشات میگیرد وهستی نوعی از جهان بینی است، میان جهان بینی و ایدئولوژی رابطه محکم و ناگسستن برقرار است، پس بنا بر این یک سری واقعیت هادر جامعه است که آن واقعیت هاباید هابرایدنبال دارد، مثلاً در یک جامعه ای نیروهای نظامی وامنیتی وجود دارد، وواقعیت هم دارد، خوب این واقعیت باید هائی را بدنبال دارد مثلاً "این نیروها باید یک فرمانده لایق و کاردان باشد وباید نیروهای خودش را آموزش بدهد، دهه اباید های دیگر.

اگر در یک تشکیلات مدیر خوبی ولایقی باشد وبخواهد برنامه هایش سریع انجام شود وبطور منظم حرکت کند و بر بسیاری از مشکلات فایق آید و در میدان های جنگ ونبرد پیروزی های سریع واتلاف نیروهای کمتر و از فرصت های پیش آمده به موقع استفاده نماید و بر رقبای پیشی بگیرد این تشکیلات باید دارای بخشهای زیر باشد:

- ۱- مرکز تصمیم گیری
 - ۲- مدیران کل و جز
 - ۳- بازوهای اجرائی
 - ۴- هماهنگ کردن نیروها
 - ۵- جهت دادن به نیروها
 - ۶- کسبیل نیروها از نقطه به نقطه دیگری
- اگر هم چه تشکیلات دارای چنین بخش هائی باشد و در راهش مدیر لایق و پرکاری باشد مسلماً " پیروزی را از آن خود خواهد کرد.

ویژه گی های یک فرمانده

از آن جایکه حیات هر تشکیلات و هر حکومت وابسته به افرادی است که در آن تشکیلات و حکومت کار میکنند و پست های کلیدی وغیر کلیدی را اشغال کرده است، باید مدیبر فرمانده درگزینش افراد نهایت حسن انتخاب را داشته باشد، اگر بخواهد این نوع تشکیلات و حکومت در عمق دل مردم جای پیدا کند و پایگاه مردمی داشته باشد که مسلماً " با یگه مردمی بهترین پشتوانه برای هر فرد و هر تشکیلات و حکومت به حساب می آید باید در انتخاب افراد دقت لازم بعمل آید که آن افرادیکه انتخاب میشود برای هر پستی علاوه بر ایمان وتقوا، باید شجاعت وقاطعیبت ایتارگری وتبزهوشی داشته باشد و دارای روح والا وقار و منانیت وشکیبایی در برابر مشکلات ومدارای بموقع داشته باشد که مسلماً " پیروزی های یک تشکیلات مرهون زحمات چنین افرادی خواهد بود، در عهد نامه که حضرت علی (ع) به فرماندارش یعنی مالک اشتر در مصر می فرستند می فرماید ای مالک، من که شما را بعنوان فرماندار مصر تعیین نموده ام، این پست برای شمایک شکانیست بلکه یک امانت است برگردن شما افتاده است آنچه از عهد نامه حضرت علی (ع) ویژه گی های یک مدیر وفرمانده استفاده میشود عبارت انداز:

- ۱- خیر خواه ودلسوز نسبت به اجرای احکام خداوند.
- ۲- سعه صدر و آرامش روحی داشته باشد.
- ۳- پاکدامن و پارسا باشد.
- ۴- سابقه درخشان داشته باشد.
- ۵- استقامت و پایداری داشته باشد در برابر مشکلات ومصائب.
- ۶- حلیم وخوش برخورد باشد و از بروز خشم وعصبانیت سریع و ناگهانی جلوگیری بعمل آورد.
- ۷- روحیه عفو و گذشت داشته باشد وعذر پذیری از خطا، کاران نادم.
- ۸- شجاعت و پیشتاژی در میدان جنگ.
- ۹- سخاوت وبخشندگی داشته باشد.
- ۱۰- بلند نظری داشته باشد وكوچك شمردن آنچه غیر الهی است.
- ۱۱- خرد مند و بردو بار باشد و بر خورداری از تعقل واندیشه نیرو مند.
- ۱۲- مهربان باشد نسبت به محرومان وضعفا ونسبت به زورمندان سخت گپرو مقاوم باشد

اهداف مدیریبت وفرماندهی:

گفتم بحث را پیرامون مدیریبت وفرماندهی در اسلام است و اهداف مدیریبت وفرماندهی نمیتواند جدائی از اهداف حکومت اسلامی وتشکیلات اسلامی باشد، یعنی همان اهداف راکه حکومت اسلامی دنبال میکند بالتبع مدیر وفرماندهی هم همان اهداف را دنبال میکند مهم ترین اهداف راکه حکومت اسلامی وتشکیلات اسلامی مدیریبت وفرماندهی دنبال باید بکند عبارت انداز:

- ۱- پیاده شدن احکام خداوند در بین مردم.
- ۲- آگاهی دادن به مردم وبلا بردن سطح فرهنگی آن.
- ۳- برپا نمودن قسط وعدل در بین مردم بطور خود جوش.

مشاوران مدیر و فرمانده:

دیگر از چیزهایکه در مدیریبت وفرماندهی مهم است، مشاوره است که اسلام روی مشورت تکیه خاص دارد و می فرماید: در کارها پایا بند با انسان های خوب مشورت کنی، امروزه در کل جهان، در هر امری چه نظامی، فرهنگی سیاسی واقتصادی و... از مشاوران خود استفاده میکند و از تجربیبت دیگران بهره میگیرند. بخصوص در دستگاه حکومتی وتشکیلاتی حالا با چه کسانی باید مشاوره بکنیم و از چه شخصی بعنوان مشاور استفاده بنمایم حضرت علی (ع) در یکی از نامه هایش می فرماید:

- ۱- با انسان هائی مشورت بکن که مسلمان، عاقل حلیم باشد، ناصح وباتقوا باشد، آدم بسا تجربه و پرتلاش و پرکار باشد با انسان هایکه این خصلت های زیر را دارا میباشد مشاوره نکن که ترابه چاه می اندازد:

- ۱- بخیل
 - ۲- ترسو و بزدل
 - ۳- حریص
 - ۴- سست عنصر و بی عقل
 - ۵- آدم هایکه هر روز رنگ عوض میکند.
 - ۶- آدم های لجوج
 - ۷- آدم های جاهل
- عوامل انحطاط وسقوط یک تشکیلات وحکومت
- میدانیم آغاز کردن یک کار آسان وسهل است میشود هر کسی کاری را آغاز نماید اما تداوم وبقاء کار مشکل و هر شخصی را توانائی این نیست کارها برآکه آغاز کرده ادامه هم بدهد، بسیار از مردان وقهرمانان بوده اند که کارها را با شور وهیجان وشوق تمام شروع کرده نه تنها توانست کارهای خویش را ادامه بدهد



صفحه نظامیگری

از: پیمان

رایبش تراژپیش میهم ونگران کننده میساخت تاجائیکه قابل پیش بینی بود شاید کابل در فردای پیروزی دراتش قدرت طلبی و خود خواهی بسوزد، هزاران انسان بی گناه و ستم دیده طعمه موشک و راکت شود و تمام دارائی های ملکی و شخصی در اثر جنگ های ویرانگر دود شده و برای مردم مظلوم و صلح دوست آن سامان جزاه وحسرت چیزی باقی نماند.

و شاید هم آنانیکه با واقعیت ها و قضایای کشور از دید قبيله سالاری، انحصار طلبی و قدرت خواهی برخورد می کردند، برای شان انهدام کابل و یا شهرهای دیگر و بخاک و خون کشیدن مردمان آن مهم جلوه نمیکرد، به گواهی تاریخ در طول چند صد سال حاکمیت فاشیسم در افغانستان هیچ یکی از حاکمان جابر و مستبد گذشته به آبادی شهرها و آسایش مردم نیندیشیده اند، بلکه هر کدام جهت دستیابی به قدرت و حاکمیت مطلقه شهرها و آبادی های کشور را به تلی از خاک و خاکستر مبدل و میلیونها انسان بی گناه را یکام مرگ فرستاده اند و از حجمه دانشمندان و آزادی خواهان کله منارها ساخته اند و خود برفضای دود گرفته و غمبار وطن به عیش و نوش پرداخته و به حاکمیت ننگین ضد انسانی ادامه داده اند، حقیقتاً " ماهیت فاشیسم جز این نمیتواند باشد و شرایط ژمانی و مکانی نیز توجیه گرا اعمال آن شده نمیتواند.

واقعیت امر اینست کسانی که در طی چهارده سال جهاد به غیر از قدرت و حاکمیت به چیز دیگری فکر نمی کردند بعد از سقوط دولت نجیب بارو حیه انحصار طلبی و نفی دیگران در کابل گام گذاشتند با حوادث و قضایا همانند پادشاهان جاهل گذشته برخورد کردند و واقعیت های عینی جامعه را با انکار کردند و با هم ناچیز شدند، در نتیجه فاجعه دردناک و تاریخی چهارده ماهه را در کابل بوجود آوردند.

آری چهارده ماه موشک باران خانه های مسکونی و قتل و کشتن راهالی بی گناه و عدالتخواه کابل تخریب و انهدام و سرمایه های ملی، به تاراج رفتن، اموا و عمومی و بیت المال چور و چپاول مغازه ها و

ثروت مردم چگونه توجیه میشود ؟

آباتمام این جنایات در راستای يك هدف نامقدس و غیر انسانی که همانا " حاکمیت مطلقه و انحصاری يك قبيله یا يك گروه " باشد صورت نگرفته است ؟

جواب مشخص میباشد ملت بسوگد نشسته ها شاهد است ، ژمانیکه فرزندان صدیق ملت های مظلوم و به استضعاف کشیده شده ، وطن لوی عدالت را بدوش گرفتند و در خم و پیچ سرگم های کابل فریاد آزادی سردادند و نفرت و انزجار شان را از حاکمیت انحصاری و ظالمانه اعلام کردند جنگ های خانمانسوز بر مردم ما تحمیل و جنایات شرم آور روا داشته شد امروز جای شکفت و تعجب است و قتیکی سوال میشود این همه قتل عامها، تخریب شدن شهر کابل چرا؟ آقای سیاف جواب می گوید سو تفاهم .

همانطوریکه از کورباچف رئیس جمهور سابق شوروی ژمانیکه سوال شد، تجاوز ارتش سرخ در افغانستان و قتل و کشتن مردم بی گناه آن سرزمین توسط سربازان روسی و تخریب و نابودی يك کشور بتمام معنی چرا؟ جواب میدهد يك اشتباه ، ما معتقدیم دیگر زبان زور در افغانستان کاربرد ندارد، شکست ارتش سرخ در کشور ما میتواند برای همه سرمشق باشد ولی آنانیکه خواب و خیال حاکمیت خاندانی و انحصاری را امید دیدند و با چشم پوشی از تجارب بدست آمده خواستند حرکت های حق طلبانه را با زور تفنگ سرکوب و بردریای خون شهدای گلگون کفن وطن نظام استبداد و قبيله سالاری را بنانهند در جریان جنگهای اخیر در کابل به این حقیقت رسیدند که عدالت محبوب قلوب همه میلیت ها و اقوام ساکن در افغانستان گشته ، خصوصاً : ملیت های محروم تا آخرین نفسی از این کلمه مقدس دفاع خواهند کرد و در جهت تحقق آن آگاهانه و قهر آمیز تلاش می ورزند .

فاشیسم و انحصار طلبان بعد از چهارده ماهه جنگ ویرانگر در شهر خونین کابل سرانجام به این باور رسیدند که هیچ فرد و گروهی راتوان آن نیست تا بابتهدید و سرکوب حرکت های حق طلبانه و عدالت خواهانه را محو و یا نابود سازند، چه بسا خود بیشتر از دیگران متحمل خسارات و ضایعات شده و در صورت دوام و بقا کشمکش های جاری از صحنه سیاسی اجتماعی حذف گردیده و با عملاً " افغانستان به چند قسمت تجزیه خواهد گردید .

بر همین مبنا احساس میشود صفحه ای نظامی گری و زورگویی در کشور ما ورق بخورد و بحای آن پیچیدگی در سترسیاسی شدت بگیرد و ما معتقدیم خطرناک ترین و در عین حال سرنوشت سازترین جنگ ، جنگ سیاسی است بقول یکی از دانشمندان " سیاست یعنی

تکامل یافته ترین ، پیشرفته ترین و ظریفترین جنگ انسان " اگر در میدان نظامی يك گروه شکست میخورد و با عقب نشینی میکند ممکن در آینده بسیار نزدیک دوباره تجمیع و تجدید نیرو نموده جبران نماید ولی این شانس در جنگ سیاسی وجود ندارد، زمین جبران يك عقب نشینی و شکست در پشت میز سیاست ممکن است سالها و باقرن ها میسر نشود .

در شرایط بسیار حساس و سرنوشت ساز کنونی رسالت پیشگامان و پرچم بدوشان عدالت و قافله سالاران ملیت های محروم و درینست جامعه اینست تا بیشتر از پیش با حوادث و قضایا سنجیده شده برخورد نمایند ، مردم ما بر قراردادها ، پیمان ها و تعهدات که ضمانت اجرائی ندارند اعتماد نمیتوانند بگذارند گواهی تاریخ چه در گذشته های دور و نیز در جریان جهاد مقدس بر هیچ يك از قراردادهای و تعهدات عمل نشده است در زمان عبدالرحمن جلاد هزاران فرزند صدیق و وطن دوست هزاره بعد از عقد و امضا قراردادها به جوخه اعدام فرستاده شدند و تمام تعهدات امیر باملست هزاره فقط در جهت اغفال و اسارت این قوم و نتیجتاً " شکست و محو این مردم بوده است .

در پروسه جهاد علیه تجاوزگران روسی در پیرامون های گروهی و تشکیل دولت های عبوری و موقت در خارج از کشور هیچگونه پابندی به مقررات و موازین وضع شده وجود نداشته چه بسا قصداً " اخلاص و به آنها پشت پازده شده است از آنجاکه ذکر یکایک آن بصورت فهرست وارد این مقال میسر نیست ، نمونه " به نشست اسلام آباد تعهدات بعمل آمده و تجدید میثاق بین رهبران در بیت الله شریف در حالیکه دستها روی قرآن گذاشته شد ولی در کابل همه فراموش گردید بسنده مینمایم صلح و امنیت در جامعه مادر کویک نظام سالم و غیر انحصاری است ، پرابلم ها و تشنجات جاری در کشور بانگشت و مذاکرات بین احزاب همانند اجلاس جلال آباد و تقسیم بندی قدرت بطور غیر عادلانه و بدون در نظر داشت شعاع وجودی آنها حل نخواهد گردید .

افغانستان بعد از خروج ارتش سرخ و سقوط کمونیست هادست خوش مشکلات ملی است امنیت و ثبات در افغانستان بستگی تام دارد به تفاهم و همکاری بین ملیت های ساکن در کشور و این پیسر نخواهد بود مگر در سایه احترام متقابل به حقوق مشروع همدیگر .

پیشنهاد حزب وحدت اسلامی افغانستان مبنی بر نشست چهار جانبه بین حزب اسلامی آقای حکمتیار ، جنبش ملی اسلامی سمت شمال ، جمعیت اسلامی آقای ربانی و حزب وحدت اسلامی که هر کدام نقش مهم و تعیین کننده در ثبات و بی ثباتی کشور دارند و از طرفی میتوانند از ملیت های برادر پشتون، ازبک ، تاجیک و هزاره نمایندگی



قیام خونین عاشورای حسینی

از: نظری

برپای داشتند و هرگز بانا اهلان و یزیدیان
زمان بیعت نداده و تا زمانیکه عدالت اجتماعی
و اسلامی بوجود نیاید همچنان مقاوم و استوار
ایستاده و خواهند ایستاد.

والسلام

دو پستی هزاره گی

بچی تاتی بیاتورای مه گوش کو
بلی قومی مسائل عقل وهوش کو
تویک یك سرگذشت ملك و ملت
ددل خوبیکرودچمای خوروش کو
الی بور شو تواز تشویش ووسواس
تو خود خوبای نده د سنگ الماس
شرف ، خوبی، نجابت ، آمیست
دیگر داره نه ندره رزیاف وکریاس

خودی به خود شناسی درحقیقت
مقام معرفت اوج سعادت
خدا آگاهی از خود آگهی ییبه
خودی ارج و مرام آمیست

بچی باباتوکی میرسی دمنزل
زموج زندگی هستی توغافل
نگی توری غلط وادم تنمادم
تنادم تیرمونه سگ دان آغل

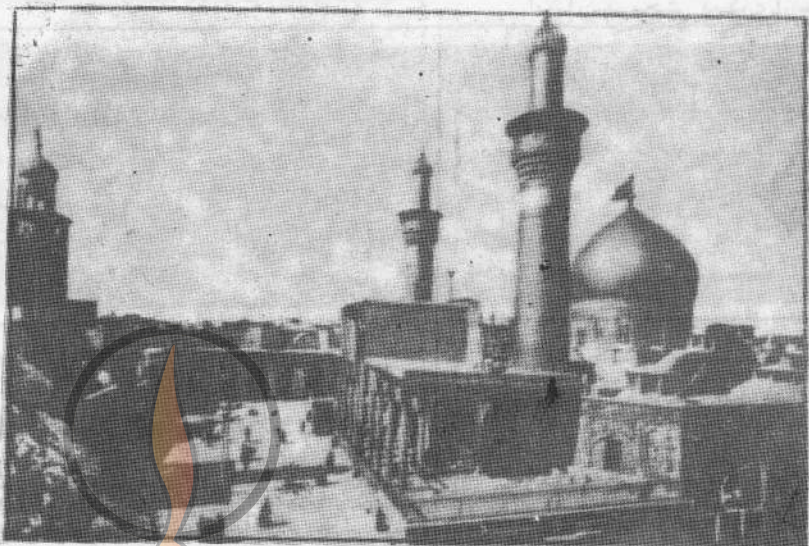
نه کوترک وطن از تنگ دستی
نه از خود خواهی واز خود پرستی
توکه ترک وطن گفستی زمستی
نه کویتکه که تو وطن پرستی

آتی قزبوموگه که بیخ شی ترکد
بچی ابی رسول خودخوبدر کد
ای بد کردار خوینگر اداست بسرکد
که مل مدراه بورر اراهربرکد
از : محمد علی اختیار :

بقیه از : گزارش مراسم عزاداری
در مسیر معینه نوحه کنان براه افتادند
که این شیوه تا ساعت ۶ بعد از ظهر ادامه
داشت .
گذار شکر ماعلاوه میکند که در تمامی شبها
دهه محرم الحرام جوانان غیر هزاره تحت
اداره تنظیم نسل نوهزاره با ایجاد مراکز
متعدد اقدام به جمع آوری کمک ، نذر
وندورات برای جنگ زده های کابل نموده
همت نمودند که مابسم خود از این تلاش
برادران که بیانگر علاقه مندی و پیوند عمیق
برادری شان است ابراز تشکر مینمایم
و از خداوند متعال توفیق مزیدشان را آرزو مینمایم
۱۳۷۲.۴.۱۳

امام حسین (ع) به یزید بیعت نداد
وراه کوفه وشام درپیش گرفت ، انوقتیکه
در کربلا راهپار ابروی بست تمام هستی
خود را به پیشگاه خداوند متعال در طبق
اخلاص گذاشت ، دشمنان خداورسول
جوانانش را شهید ، اهل و عیالش را اسیر
کردند .
آری امام حسین (ع) بدینسان به
بشریت اموخت که هرگز بر بار ظلم نروند
وباهر چه در توان دارند برای تحقق حق
و عدالت در برابر ظالمان قیام کنند .
از آنجاکه قیام امام حسین (ع) حق
بود و حق همیشه جلوه های خاصی دارد که

" ان الحسین مصباح الهدی وسفینه النجاه"
پیامبر اسلام ص
(حسین چراغ هدایت و کشتی نجات است)
قیام امام حسین (ع) در برابر یزید العباد
گسترده ای دارد که قلم و این مقال از طرح آن
عاجز و قاصر است ، اما بعنوان یک یادواره شمه
از این مکتب حیات بخش را یادآوری مینمایم .
مکتب والای سرور و سالار شهید امام
حسین (ع) مکتب نور و هدایت و نجات
انسانیت است ، مکتبی که انسان گرفتار در
منجلا ب مادیات و تاریک ضمیران راه گم
کرده هرگاه به این آئین بگیرند از هدایت
امام حسین (ع) راهشان روشن و دلشان پر



در تاریخ حک میشود ، حماسه خونین عاشورا
سرانجام منجر به سقوط دستگاه استکباری
یزید گردیده و نقطه عطفی در تاریخ اسلام
بر جای ماند و از آن به بعد این خط سرخ
انقلابی در میان توده های عظیم بشری
علی الخصوص در میان پیروان خاندان نبوت
و طهارت سرمنشا انقلابات بسیاری بمنظور
تحقق عدالت قرار گرفته ، چنانچه امروز
در عصر حاضر ما شاهد قیام های مشابه قیام
امام حسین (ع) در جهان هستیم ، منجمله
در افغانستان پیروان یزید در قالب رژیم های
الحادی و اسلامی شمشیر در دست گرفته
بخاطر بیعت گرفتن از پیروان راستین امام
حسین (ع) دست به جنایات هولناکی زده -
حلقوم صدها انسان معصوم و بی گناه و حتی
اطفال را در افشار کابل بریدند ولی فرزندان
سلجشور توحید و این پیروان صدیق امام حسین
(ع) حماسه دیگری و کربلای دیگری را در کابل

امید میشود اینان در دریای پر تلاطم حیات
به کشتی نجات دست یافته و به ساحل
مقهور خواهند رسید ، چراکه حضرت امام
حسین (ع) نمونه والای انسان آزاده و بی تمام
معنی بنده ، خداست ، اوره و راه الله
وزندگی نگهدارنده اسلام است که بانشار
خون پاک خویش نهال آزاده گی ، شرف
و انسانیت و اسلامیت را آبیاری کرده است
حسین (ع) و تمام فرزندان و امامان پس از او -
والا ترین نمونه های انسان سازی هستند
و هیچ مکتبی و آئینی در جهان اینچنین الگو
هائی به تاریخ انسانها عرضه نکرده است
تا جایی که چخوف کمونیست به کلام حسین
(ع) افتخار میکند و کارلائیل نامشان را در سر
لوحه قهرمانان تاریخ قرار میدهد و جورج
جرداق کسی را در تاریخ همسنگ ایشان نمی
داند و جبران خلیل شهر بزرگ را آن مکانی
میداند که چنین الگوها و ابر مردانی چون
علی (ع) و فرزندان او بیرون



گزارشی از مراسم عزاداری در سالگرد شهدای کربلا کوبته بلوچستان

کار حفظ اسلام و تحفظ اسلام بنحو اکمل در چهارچوب وحدت بین المسلمین بود ولی امروز استکبار جهانی در رأس آن آمریکای جنایت کار مسلمانان را دچار تفرقه نموده چنانچه اگر ما مسلمانان متحد بودیم و در میان خود بدستور آیه کربله (اشداء ۰۰۰۰) عمل میکردیم امروز مسلمانان بوسنی هرزگوئین مردم لبنان و فلسطین توسط فرزندان ناسا مشروع آمریکا و همچنین ملت مسلمان عراق قتل عام و ذلیل نمیشدند و مردم غیرور کشمیر مقبوضه زیر شکنجه هند و هاعذاب نمی کشید و ملت مسلمان آذربایجان و تاجیکستان به این روز نمی افتید و آمریکازمزمه و عربیده نمی کشید که پاکستان جزء کشورهای دهشت گرد است و بهمین سلسله هرکشور اسلامی دیگر را که بخواهد ترور یست معرفی و علیه آن اقدام مینماید.

ایشان در بخش دیگری از سخنانش

کنفرانس کوبته جناب سردار محمد آصف خان به ایراد سخن پرداخته هدف از برگزاری مراسم عزاداری را تشریح نمود، پس از آن خطیبان اهل بیت به تشریح اهداف انقلاب امام حسین (ع) پرداخته ذکر مصیبت فرمودند:

منجمله جناب حجت الاسلام والمسلمین مهدی نجفی طی سخنانی فرمودند "قیام و انقلاب امام حسین (ع) در برابر یزید ابعاد گسترده ای دارد که برای مسلمانان الگو و سرمشق خوبی است، امام حسین (ع) عملاً ثابت کرد که دین از سیاست جدانیست ایشان در بخش دیگری از سخنانش جنگ افروزان را در کابل افغانستان محکوم و حمایت عزاداران را از مسلمین محروم و مظلوم افغانستان اعلام داشت.

بعد از آن دسته های عزاداری بار دیگر

با فرارسیدن ایام محرم الحرام در دیوار این شهر توسط محبان خاندان طهارت و نبوت سیاه پوش شده که هر تازه واردی را خبیر از حادثه مهمی میدهد، مساجد و تکایا به شیوه و رسم عزاداری با شعارهای انقلابی زینت داده شده بود، در تمام دهه محرم الحرام در کلیه مساجد و تکایا، علما، خطیبان اهل بیت (ع) به ذکر مصیبت و ارشادات مسائیل دینی پرداخته و در جهت آموزش مردم از بیگاه دانشگاه سیار امام حسین (ع) که همه ساله فرامیرسد بهره برداری نموده، گذارشگر مامی افزایش داده علماکرام در شبهای محرم الحرام از ارشادات دینی، مذهبی و ذکر مصیبت قسماً بمنظور آگاهی مردم به تحلیل مسایل و اوضاع سیاسی حاکم بر جهان اسلام نیز پرداخته اند منجمله جناب حجت الاسلام والمسلمین استاد توسلی و جناب حجت الاسلام والمسلمین

حجت الاسلام والمسلمین علامه یعقوب علی توسلی در حال ایراد سخن در مراسم عاشوری



به تحمیل جنگهای خانمانسوز و ویرانگر توسط فعال بیگانه علیه شیعیان افغانستان اشاره نموده فرمودند:

حکومتی که توسط شورای حل و عقد سارشی و تقلبی بوجود آمده چقدر وحشیانه بر گروهها و ملت هاییکه در طول تاریخ محروم و مظلوم بوده جنگهای را تحمیل نموده که ما این جنگها را محکوم میکنیم، لذا امروز ما حمایت و پشتیبانی شیعیان پاکستان را از همه مسلمانان از ادیخواه مخصوصاً "از حزب وحدت اسلامی افغانستان و ملتی که زیر پوشش وحدت برای رسیدن به هدف مقدس و اسلامی پرتلاش زحمت میکنند اعلام میداریم و ۲۵ میلیون پیروان حضرت علی (ع) و عزاداران سرور شهیدان امام حسین (ع) در مملکت وسیع پاکستان کاملاً در راستای حمایت از حزب وحدت بوده هستیم.

سپس محترم اعجاز حسین جعفری به ایراد سخن پرداخته فرمودند، پیامبر اسلام فرموده است، حسین از من است و من از حسین، لذا با ستناد این حدیث بزرگوار نه تنها قاتل امام حسین (ع) بوده بلکه قاتل رسول الله (ص) نیز هست.

پس از ختم سخنرانی بهادسته هاباز هم

طوفانی شده با فریاد های و احسینا بر اه افتادند حدود ساعت یک بعد از ظهر دسته ها در جایگاه مخصوص که در میزان چوک تدارک دیده شده بود رسیدند و در آنجا دسته ها بطور منظم در مقابل جایگاه که علماکرام و مسئولین مراسم قرار داشتند، جوانان و پیره مردان غیور این پیروان صدیق امام حسین (ع) با زنجیر زنی غیر قابل تصور و با منتهای خلوص ارادت و محبت شانرا به اهل بیت اطهار (ع) بنمایش گذاشتند، پس از جابجائی دسته ها، ابتدا قاری محمد آصف به تلاوت آیات چند از کلام الله مجید پرداخته، سپس مولانا شیرازی بزبان پشتو سخنرانی فرمودند از شجاعت، فصاحت و بلاغت، علم و توانائی علی (ع) که بر کربلا به صورت نمیگرفت، امروز از اسلام خبری نبود، آنگاه جناب حجت اسلام والمسلمین استاد یعقوب علی توسلی صدر تحریک ملت جعفریه کوبته پاکستان و امام جمعه کوبته پشت تربیون قرار گرفته به ایراد سخنان ارزنده ای پرداختند، ایشان با قرائت آیه کریمه "محمد رسول الله والذین معه اشداء علی الکفار و رحامینهم" فرمودند "فلسفه قیام و علت آن در مقابل یزید جنایت

استاد (معصومی) بلااستثنی هر شب پیرامون بخران افغانستان و مظلومیت مردم ماسخن گفته است، همچنین سائر علما.

صحرگاه روز عاشوری که مصادف با روز پنجشنبه تاریخ ۱۲۷۲ هجری محرم الحرام سالروز شهادت امام حسین (ع) و یارانش اهالی مسلمان و متدین کوبته بلوچستان و مهاجرین مظلوم افغانستان همانند فوران سیلاب، اما با طبیعت آتشین اکثر "سروپا برهنه در حالیکه خاک بر سر و صورت پاشیده بودند به سمت مسیر تعیین شده در قالب دسته های منظم سینه زنی و زنجیر زنی با در دست داشتن پرچمها و علم های زیاد که در پیشاپیش هر دسته در حرکت بود سرازیر شدند، بدینصورت در لحظات بسیار کم صف عزاداران کیلومترها راه را تشکیل داد.

عزاداران با سرودن نوحه های جگرسوز از وقایع کربلا به سر و سینه زده به عزاداری پرداختند، پس از مقداری راه پیمائی بدین شکل در نقطه ای از طرف ستاد برگزاری مراسم دسته های عزاداری متوقف شد، درین راستا پس از تلاوت آیاتی از کلام الله مجید صدر شیعه

متن سخنرانی اقای

اعوذ بالله من الشیطان الرجیم .

قال رسول الله (ص): ماشاء مع ظالم لیبوء قوبه هو و هو یعلم انه ظالم فقد خرج من السلام .
امروزدهم محرم الحرام روز شهادت سید الشهدا حضرت امام حسین (رض) نواسه پیامبر (ع) اسلام است که او با ۷۲ تن از اهل بیتش بدست یزیدیان در میدان کربلا بشهادت رسید .

اهمیت امروز بزرگداشت و تجلیل از شهادت به این سخت نهفته است که به این الگو و نمونه جهاد و مبارزه با ظلم ضرورت داشت ما ابراهیم (ع) را داشتیم و موسی (ع) را داشتیم که با کفر و شرک رزمیدند با فرعون و نمرود مقابله کردند ، قیام مردم مظلوم را علیه سلطه فرعون و نمرود رهبری کردند مامحمد (ص) را داشتیم که با دستگاه کفر و شرک که در راس اش ابوجهل ها مردم را رهبری کرد مانمونه مبارزه با استبداد را داشتیم مبارزه ابوبکر (رض) مانمونه مبارزه با خوارج را داشتیم ، وی که الگو نمونه از مبارزه و قیام علیه دستگاه ظلم تحت پوشش اسلام ضرورت داشت ، اگر قیام امام حسین (رض) نمی بود شاید سکوت در برابر ظلم جزء مذهب می شد و قیام علیه ظلم غیر قابل توجه بوده ، من بیاد دارم روزهای نخستین نهضت را که علیه دستگاه شاهی علیه رژیم ظاهر شاه آغاز شد و بمایم گفتند که تا کفر صادر نشده است چگونه علیه يك دستگاه حاکم قیام می کنید و فقط يك دلیل داشتیم ، يك نمونه واضح و قانونی یعنی حضرت امام حسین (رض) از این لحاظ هم قیام امام حسین (رض) مهم و بارز و قابل توجه است که امت اسلامی برخلاف سائر امت ها کسانیر امام پیشوا گرفتند که در راه حق به شهادت رسیدند ، بیائید پیروان هر مذهب را مطالعه کنیم .

عالمی را امام پیشوای خود گرفتند که در راه حق به شهادت رسیدند از کسانیکه در برابر ظلم سکوت کردند و کسانیکه با ظلم ساختند و در خدمت دستگاههای استبدادی بودند مردم را همراهی نکردند که علمای اربعان پیشوای مذهب خود نگرفتند در سایر ملل می بینیم که آنها پادشاهان خود را فاتحین مرزها و جنگها ستودند و ستایش کردند ما کسانیر انقلابی کرده ایم و از کسانیر پیروی کرده ایم که در راه اهداف بخاطر حق به استقبال شهادت رفتند ، متأسفیم که با وجود نمونه بزرگ تاریخی شهادت نواسه ، پیغمبر علیه

السلام ، علیه دستگاه حاکم تحت پوشش اسلام هستند عده ، که سکوت در برابر ظلم و انتظار برای فرصت مناسب را جایز می شمارد رهبر اسلام میفرماید (ماشاء مع ظالم لیبوء قوبه و هو یعلم انه ظالم فقد خرج من الاسلام) هر که ظالمی را همراهی کند تا او را تقویت کند در حالیکه میدانند او ظالم است ، یقیناً " که او از اسلام بیرون رفته و از دایره اسلام خارج شده ، همراهی با ظلم وستم اگر سرنوشت آن اینست باعث میشود که انسان از دایره اسلام خارج شود کسیکه به عنوان اسلام و تحت پوشش اسلام ظلم میکند انجامش چیست ؟

مشخصات يك حکومت اسلامی کاملاً " واضح است حکومت اسلامی حکومتیست که با مدارش توسط خود مردم انتخاب میشود در نتیجه بیعت وبدون اکراه و اجباری انتخاب شده باتوپ و تانگ و از طریق اعمال قوه بر مردم تحمیل نشده است مردم با آزادی کامل وبدون اکراه و جبر او را اهل این منصب شمرده اند این امانت را به او سپرده اند و از او بیعت کرده اند تا زمانی که خلیفه و امیر و امام توسط خود مردم انتخاب میشود نزع و کشمکش نبود وقتی که سلسله جانشینی ها آغاز شد از بالا حکام تحمیل شد به روزه بیعت گرفته شدند می بینیم سلسله خونریزی ها و درگیری ها آغاز شدند حکومت اسلامی ، حکومت که پاسدار حفظ آبرو و جان و مال مردم باشد از حقوق مظلوم دفاع کند و سرمایه های ملی را امانت الهی بشمارد ، از سرمایه های ملی به نفع تقدیر گروه و ملت خود استفاده ناچیز نکند حضرت امام حسین (رض) چرا با یزید مقابله میکند او که امیرالمؤمنین خطاب میشود در حکومت او کشور های یکی پی دیگری فتح میشد ، جهاد بخاطر فتح سایر کشورها در اکثر نقاط دنیا ادامه دارد و در ظاهر امر در محاکمه شریف نافذ است حقوق جاریست با وجود همه چرا علیه یزید قیام میکند ؟ واضح است ، چرا بدست ظالمی بیعت نمیکند ، چرا بخاطر انکار از بیعت به استقبال شهادت میروند ، خود با ۷۲ تن از اهل بیت اش به شهادت میرسد ، در این بیعت چه رازی است و چه سری نهفته است ، چرا در برابر ظالم سراطاعت خم نمیکند بدست ظالم بیعت نمیکند و در برابر ظلم سکوت نمیکند و حاضر نیست حکومت استبدادی را بپذیرد ، اگر اسلام سکوت در برابر ظلم را جایز می شمرد حضرت امام حسین (رض) قیام نمیکرد .

بین حکومت اسلامی تا حکومت غیر اسلامی تفاوت در شعارها نیست ، تفاوت در ترانه ها نیست با چه ؟ با تغییر چهره ها و شعارها حکومت اسلامی نمی آید حکومت اسلامی همان است که بدست او شریعت حاکم باشد ، حدود نافذ باشد و ارمال و جان ، ارض و حفظ آبروی مردم دفاع شود ، جامعه با ظالم و مظلوم تقسیم نشود

حکومت های خاندانی و قبیلوی بر مردم تحمیل نشود و کسی باتوپ و تانگ و از طریق اعمال زور و قوه بر مردم حکومت نکند ، حکومت اسلامی حکومتی است که مردم خود امانت و امامت و رهبری و زعامت قوم را به او سپردند وبدون اجبار و اکراه بدست اش بیعت کردند چرا که ؟ خداوند جل علی شانه ، میفرماید :

ان الله یعمروکم ان تعدل امانات الاحیاء یقیناً " امانت را به اهلش بسپارید مردم این امانت را به اهلش می سپارند ، زمامدار را اهل این منصب تشخیص میدهند و این امانت را به اومی سپارند ، اگر تحمیل زعم و امیر از سوق و از بالا بر مردم و از طریق اعمال قوه و عزم بیعت با جبر و اکراه جایز می بود حضرت امام حسین (رض) علیه یزید قیام نمیکرد . اگر ما خواسته باشیم که حکومت اسلامی داشته باشیم حکومت در خدمت مردم ، حکومتی که خود را آغا و پادار مردم نشمارد ، بلکه خدمت گذار مردم باشد حکومتی که خود را مالک همه چیز مردم نشمارد بلکه امین سرمایه های مردم باشد ، حکومتی که تجاوز بمال ، جان و آبرو و عزت مردم را برای خود مباح نشمارد بلکه پاسدار مال ، جان و حفظ آبروی مردم باشد بگذاریم که مردم خود را انتخاب کنند ، آنها اهل این منصب را نسبت به هر چیز دیگری بهتر تشخیص میدهند .

در اسلام حکومت با انتخاب خاندان عده ای - محدود وجود ندارد و حضرت علی کرم الله وجهه بعد از شهادت حضرت عثمان (رض) عده ای می آیند و میگویند که تو شایسته این منصب هستی ما بتو بیعت میکنیم حضرت میفرماید که اگر این حرف درست است باید در مسجد و در محضر مردم به شکل نمایان این فیصله شود . پس انتخاب امیر و زعم در خلوت و عقب دیوار ها در اطاق های دربسته توسط يك عده در اسلام جواز نیست باید در محضر مردم بشکل واضح بدون اکراه و اجبار به ... خاطر توسط مردم انتخاب شود ما می خواهیم این سنت اجرا شود . حکومت یزید یعنی چه ؟ این که مردم او را انتخاب نکرده است برای او بیعت هیچ نشده است خود مردم با ... به او بیعت نکرده اند ، طرفدارانش بخاطر پول چوکی و امتیازات در پهلوی او ایستادند و بخاطر بقای استبداد اش جنگیدند ، بخاطر بقای استبداد خود از سنگ باران مکه و از تجاوز به اهالی مدینه منوره دریغ نکردند به قتل نواسه پیغمبر و اهل بیت اش دریغ نکردند .

یزید یعنی کسیکه سرمایه های ملی را غنیمت می شمرد و هر نوع تصرف نمودن را برای خود مباح و جایز می شمرد ، امام حسین (رض) یعنی چه ؟ کسیکه بخاطر بیعت با دستگاه ظلم و استبداد به استقبال شهادت میروند ،

بارانش بحکم عقیده و ایمان عالی آن حضرت در پهلوی او در سنگرش قرار میگیرند .



از: استاد طارق

انسان و ...

از روزیکه انسان زندگی اجتماعی را شروع کرده برای اینکه بتواند در اجتماع زندگی کند قانون داشت و از آن هنگام که انسان دسته دسته و قبیله قبیله زندگی میکرد تا آن قانون داشته است، بانگش بتاریخ زندگی انسانها می بینیم که انسانها چه متمدن یا غیران قوانین برای خود داشته و اسلام نیز قانون دارد.

اللہ تبارک و تعالی در سوره انعام میفرماید " ان هذا صراطی مستقیما " فاتبعوه و تتبعوه السبیل فتفرق بکم عن سبیلہ " یعنی راه راست برای انسان همین است که باید قانون داشته و بدان عمل کنند، در اینجا سؤال پیدامیشود که آیا این قانون باین قدر و منزلتیکه قرآن برای آن قایل شده میتواند انسان را کنترل کند؟

جواب اول: تازمانیکه نفس اماره سرکشی نکرده باشد قانون برایش خوب است.

جواب دوم: اگر این اسب سرکشی آغاز کرد وسیلی جاری شد آیا این سد خاکی (قانون) کجراه سیل را بند کرده میتواند، قانون ذاتا " عالی است اما نارسائی های فراوان هم دارد، نخستین نارسائی قانون اینست که - قانون بامقام شامخ انسان سازگار نیست قانون را معمولاً " برای رفع تجاوز وضع میکند و انسان بامقام شامخ متجاوز نیست قانون را برای رفع ظلم وضع میکنند و انسان اگر انسان باشد ظالم نیست، جامعاً - شناسان میگویند، اصولاً " اگر انسان در - انسانیتش کامل شد قانون لازم ندارد دیگری میگوید افزایش قانون دلیل بر انحطاط اخلاقی انسانهاست.

قرآن میگوید من کتابم برای تو کتاب قانون نیستم چرا که توانسانی اگر انسان شدی اصلاً " قانون لازم نداری اگر جامعه نیازمند قانون شد بخوبی پی برده - میشود که در آن جامعه انسانیت خدشه دار - شده است.

نظامی گنجوی از اسکندر ذوالقرنین چنین نقل میکند که او حین فتوحاتش وارد شهری شد و چیزهاییکه ندیده بود به چشمش برخورد: دید که مغازه ها و خانه های آنان دروازه ندارد و شبها مغازه ها را رها کرده به خانه خود میروند، تعجب کرد که مگر اینجا دردت نیست؟ چرا مغازه هادرندارد؟ چند روزی بطور مخفی در این شهر رفت و آمد کرد جز تلطیف و مهربانی و ترحم نسبت بیک دیگر از مردم این شهر ندید همه باهم

برآدرند و بایکدیگر تعاون دارند، اسکندر دید " رحما بینهم " در بین آنها حکم فرماست تعجب دیدید که این مردم قبرستان دور از منازل خود ندارند، قبرهایشان در مقابل - خانه هایشان است، گذشته ازین همه اشخاصیکه در قبر خاک شده اند جوان بوده اند همه قبرها را گشت شخصی بیشتر از سی سال پیدانکرد همه در ستین پانزده الی سی بودند، تعجب کرد که اینها چرا همه در جوانی مرده اند؟ لذا یکی از پیرمرد های عاقل و آرموده را پیداکرد و با او صحبت نموده گفت در طول اینهمه جهانگردی شهری مثل شهر شما ندیدیم. اول اینکه چرا در دربان ندارد؟ پیرمرد گفت در دربان برای دزد است اینجا دزدی وجود ندارد، مردم مال یکدیگر را حفظ کرده و بفکر یکدیگرند، اسکندر پاز پرسید تعاون و تلطیف عجیبی در میان شما دیدم این چیست؟ پیرمرد گفت نباید تعجب کنی برای اینکه انسان یعنی عذوفت و تطف.

اگر تطف نباشد باید تعجب کنی که چرا انسان تطف ندارد، انسان اگر بخواهد ظلم کند باید اول وجدان اخلاقی و عقلش را زیر پایگذارد سپس ظلم کند، اصلاً " معنی انسان اینست که اگر عاطفه را مجسم کند بک انسان میشود، انسان سرتاپا تطف و تعاون و دیگرگرا - اگر دیگرگرا نباشد انسان نیست. بگفته سعدی (ع):

بنی آدم اعضای یکدیگر اند

که در آفرینش ز یک جوهر اند
چو عضوی بدر آورد روزگار

دیگر عضوهارانماند قرار
تو کز محنت دیگران فارغی

نشاید که نامت نهند آدمی
پیرمرد افزود: دلیل اینکه قبرستانها مقابل

خانه هاست برای اینکه هر صبح که از خانه برآمدیم چشم مان به قبر پدر، مادر، دوستان بیفتد و این تنبیهی برای ما هست (اینها مرده ند ما هم می میریم پس باید کنترل شویم) اما اینکه می بینی روی قبرها ۳۰ - ۲۵ سال مینویسیم بخاطر اینست که دروغ تخلف و تظاهر در زندگی مانیست اگر روی قبر بنویسیم فلانی بعد از هفتاد سال و بیایم هفتاد سالگی جهان را بدرد گفته است دروغ گفته ایم برای اینکه کسی ۳۵ - سال را خواب بوده در زندگی انسانی نبوده و ما می خواهیم بزندگی انسان نام حیثیات بد هیم و بیک انسان باید چنین باشد از - نظر اسلام و قرآن انسان باین آرزو خواهد رسید که پرچم اسلام روی کره زمین بر افراشته و عدالت سرتاسر زمین را گیرد و این مقام انسان با قانون سازگار نیست به عبارت دیگر لباس قانون مناسب اندام - انسان نیست و انسان قانون نمخواهد

بلکه باید خود را بشناسد که من انسانم تمام جنایات و بدبختیهای بشر از زمان حضرت آدم تا کنون و تا روز قیامت بخاطر آنست که انسان خود را نشناخت قرآن عظیم میفرماید " انه کان ظلوما جهولا " یعنی انسان بخودش بسیار ستمگرو نادان است انسانیکه جایگاه عندالله و لذتش نظر کردن بذات ربوبی است وقتی این انسان خود را بد اندازه - پست و فرومایه میسارد که در باره او گفته شود " اولئك كالانعام بل هم اضل "

یعنی اینها همچون چارپایان اند بلکه گمراه تر و دون پایه تر از آنانند. از بزرگی پرسیدند که چرا بشر با پیشرفت دانش خود توانست طبیعت را تسخیر کند اما نتوانست انسان را تسخیر کند؟ چنین جواب داد: بخاطر اینکه بشر طبیعت را شناخت و تسخیر کرد اما انسان را نشناخت و تسخیر نکرد.

دنیای امروز با همه پیشرفت علمی اش درباره انسان بلوک شرق انسان را در حد ابزار کار پائین آورده اند، در عالم غرب تلقی راکه از انسان میکنند از تلقی بلوک شرق (سابق) اسف بار تر است. نظریه های انسان شناسانه بجائی میرسد که میگویند انسان تمام وجودش بغرائز جنسی برمگردد، همه رفتارهای انسان منشاء جنسی دارد.

نظریات دیگر نیز وجود دارد که تماماً درین متفقند که انسان را با حیوانات هم خانواده و هم طراز میسازند، قرآن کریم نیز انسان هایکه مورد نظر آنان میباشد مانند حیوانات بلکه پست تر از آنها میدانند در نهج البلاغه امیرالمؤمنین میفرماید: انسان موءمن از کعبه بالاتر و مرتبه اش از جبرئیل والاتر است. آیا سازوار است این انسان اینقدر تنزل کنند؟

انسان باید مظهر صفات خدا باشد یعنی صفات جمال و جلال خداوند بردل او حکومت کند باید دل انسان عرش خدا باشد، سخن قرآن اینست:

" ای بشر اگر میخواهی خودت را بشناسی بدان که خلیفه الله هستی و میتوانی مظهر صفات خدا شوی، قدرت نفس توومیزان علم تو میتواند بپایه ی برسد که قادر به تصرف در عالم هستی شوی و بر امور تکوینی عالم مسلط گردی."

پیامبر اکرم (ص) وقتی دید بعضی انسانها کارشان بجائی رسیده که بعضی حیوانی شان عقلشان را استخدام نموده و - سوار بر این اسب نجیب شده و انرا هم نا نجیب کرده ناراحت میشد، آنگاه خطاب - میشود یا رسول الله ۱ غم مخور، غصه مخور اینها دیگر حیوانند بگذار در مراتع دنیا



گزارش‌های رسیده از کابل

جنرال عبدالرشید دوستم رهبر جنبش ملی اسلامی افغانستان در راس يك هیئت عالیرتبه ای وارد کابل گردید وی با خبرنگاران هدف از آمدنش در کابل را رسمیت بخشیدن جنبش ملی اسلامی در زمره سائر جریانات سیاسی کشور و میانجیگری میان گروه‌های متخاصم اعلام کرد.

جنرال دوستم پس از ورود به کابل با آقای ربانی و مسعود دیدار نمود. طبق راپور خبرنگار حزب وحدت اسلامی افغانستان از پیشاور در تاریخ ۱۴ ار ۱۳۷۲ هیئت بلند پایه حزب وحدت اسلامی به سرپرستی استاد بلاغی وزیر تجارت باجنرال عبدالرشید دوستم رئیس جنبش ملی اسلامی افغانستان در چمن حضوری ملاقات نموده و درین ملاقات تعدادی از موسفیدان هزاره و معاونین گروپ اوپراتیف حزب وحدت والحاج سلیمان یاری نماینده جبهه نجات ملی شرکت داشتند. استاد بلاغی به نمایندگی از سائریبش ضمن خیلار مقدم گفتن، سلامهای گرم مردم و مسئولین حزب وحدت اسلامی را تقدیم وی نموده فرمودند:

"حزب وحدت اسلامی افغانستان بعنوان تنها حزبی که مواضع آشکار و موجه و ثابت آن برای تمام مردم افغانستان و جهان معلوم است و همواره سیاست دفاع از ملیت های محروم را سرلوحه فعالیت های دیپلوماتیکی خویش قرار داده و بخواطر همیبن رسالت مقدس خود از سوی جوانب مختلف تحت فشار بوده و جنگهای غم انگیزی را بر علیه مردم ماتحول نموده."

پس جنرال دوستم رهبر جنبش ملی اسلامی افغانستان ضمن تقدیم و تشکر فراوان از مسئولین حزب وحدت اسلامی و مردم قهرمان هزاره گفت: مادر طول دوران حکومت های جابرانه گذشته از تمام مزایای قانونی و شرعی خود محروم بودیم و بر همین اساس حکومت فاشیستی نجیب اله را تحمل کرده نتوانستیم و علیه آن به مبارزه برخوایستیم، مادر کابل بخاطر چوکی و قدرت نیامدیم بلکه آمده ایم تا حقوق مردم و حزب سیاسی مردم ما برسمیت شناخته شود و در کنار سائراقوام افغانستان برادروار زندگی نمایند.

همین خبرنگاری افزود که در تاریخ مذکور استاد خلیلی وزیر مالیه نیز باجنرال رشید دوستم رهبر جنبش ملی اسلامی دیدار و گفتگو نمود، درین دیدار روی موضوعات ذی علاقه

دو طرف بحث صورت گرفت و در زمینیه توافقاتی بعمل آمد، گزارشی می افزاید که پس از دیدار استاد خلیلی هیئتی از طرف جنرال دوستم با شرکت جنرال مجید والحاج سیرت طالقانی و مولوی عبدالعزیز برای هماهنگی فعالیت‌های بعدی خدمت استاد مزاری رسید و هدف از مسافرت جنرال دوستم را کابل تشریح کردند.

خبرگزاری وحدت اسلامی دریگ گزارش دیگر خبر داد که در تاریخ ۱۴ ار ۱۳۷۲ قبل از ظهر هیئت عالیرتبه از طرف اتحاد سیاف خدمت استاد مزاری رفته و اسناد مزاری آنها را بحضور پذیرفتند، درین دیدار وکیل بازمحمد رئیس هیئت بوده و افراد همراهِ وی استاد فیض محمد و قاضی عبدالرحیم بوده، ابتدا وکیل بازمحمد خان جنگهای گذشته را نتیجه سوء تفاهم خوانده اظهار داشت زمانیکه جنگ بین حزب وحدت و اتحاد سیاف جریان داشت بعضی آنهایکه کظاهر میانجیگری مینمودند ولی در واقع اهداف خاصی سیاسی خود را دنبال میکردند، چون حزب وحدت و اتحاد اسلامی چیزی ناتقسیم ندارند باید جنگ خاتمه یابد، وکیل بازمحمد استاد مزاری را مخاطب قرار داده گفت:

شما چه دستور میدید تا جنگ حل شود؟ استاد مزاری فرمودند: که در دوران یکسال مراحل مختلفی طی شد و تجربیاتی حاصل گشت و بعد از جنگ دوم شورای قیادی تشکیل جلسه دادند و در آن جلسه آقای ربانی این مسئله را مطرح کرد که باید حزب وحدت و اتحاد از منطقه خارج شوند، من به اسای سیاف گفتم ما باهم اختلاف نداریم میتوانیم مشترکا "زندگی کنیم و مستقیما" مشکل خود را حل نماییم ما حق خود را از دولت میخواهیم و شما که دولت نیستید چطور مردم بی دفاع ما را موشک باران مینمائید، استاد مزاری افزود کسانی که نمیخواستند مسئله ماحل شود شسارت می نمودند در جنگهای گذشته شورای نظار شمت درصد نقش داشت و عامل جنگ به حساب میروند و این را خود شما می دانید...

در آخیر استاد مزاری فرمودند باید چند مسئله شود ۱ - آزادی ورهائی اسراء ۲ - آزادی و باز شدن راهها ۳ - بازگشت مهاجرین که درین جنگها از خانه و گاشانه شان مهاجر شده اند. سپس آقایان مقصودی و معصومیار از طرف حزب وحدت موعظ شدند که با نمایندگان اتحاد سیاف مذاکراتی انجام دهند و بعد از مذاکرات توافق بعمل آمد که

روز پنجشنبه ۱۷ ار ۱۳۷۲ تعدادی از اسراء آزادشوند و زمینه رهائی بقیه نیز آماده شود که در تاریخ ۱۷ ار ۱۳۷۲ تعداد ۱۴ نفر از مردم هزاره که در نزد اتحاد بود آزاد گردید و تعداد ۷ نفر نظامی از اتحاد سیاف که در نزد حزب وحدت بود نیز آزاد گردید.

ناگفته نماند که تاکنون چندین بار بین اتحاد سیاف و حزب وحدت توافقهائی شده بود اما متاسفانه از طرف اتحاد اسلامی عملی نگردیده بود.

خبرنگار وحدت اسلامی از پیشاور در تاریخ ۱۶ ار ۱۳۷۲ ساعت ۸ صبح محترم جنرال عبدالرشید دوستم رهبر جنبش ملی اسلامی افغانستان با استاد مزاری دبیرکل حزب وحدت اسلامی افغانستان در مقر مرکزی حزب وحدت افغانستان وارد شد و با استاد مزاری ۴ ساعت گفتگو نمود، گزارش می افزاید که حوالی ساعت ۸ صبح روز چهارشنبه ۱۶ ار ۱۳۷۲ نیروهای امنیتی حزب وحدت همراه بانیرهوهای امنیتی جنبش ملی تحت فرماندهی دگروال عبدالچریک امنیت راه را از مقر جنرال دوستم تا مناطق حزب وحدت تحت کنترل شدید امنیتی گرفتند، تا نگهانی و نیروهای رزمی حزب وحدت تمامی چهار راه را در اختیار گرفته و زمینیه ورود جنرال دوستم و هیئت همراهش را فراهم ساختند و حوالی ساعت ۸ صبح کاروان حامل جنرال دوستم و همراهانش از طریق دهمزنگ وارد منطقه تحت کنترل حزب وحدت شدند طبق این گزارش کاروان از منطقه دهمزنگ تا مقر مرکزی حزب وحدت توسط دهاعراده تانک و صد ها عراده موترهای سواری نظامیان حزب وحدت اسکورت می شد توسط مسئولین حزب وحدت همچون استاد مزاری دبیرکل حزب وحدت و استاد شفق نماینده حزب وحدت در کمیسیون وزارت داخله و استاد خلیلی وزیر مالیه و اعضای شورای تصمیم گیری و موسفیدان و نمایندگان مردم مورد استقبال قرار گرفت.

ابتدا استاد شفق ورود جنرال دوستم و هیئت همراه را در مناطق تحت کنترل حزب وحدت و مقر مرکزی حزب وحدت خیر مقدم گفته و اظهارطمینان و امیدواری نمود که دو ملت برادر هزاره و ازبک در کنار هم دیگر در جهت تشخیص ملی و سازندگی و آبادانی وظایف خویش را ایفاء نمایند.

پس جنرال دوستم طی سخنان کوتاه ضمن

تقدیر و تشکر از استقبال گرم مسئولین حزب وحدت و مردم شریف هراته هدف از مسافرت خود بکابل و مفاهمه با تمام جوانب در کیمر دانسته گفت: هدف مهم ما از این مسافرت ایحاد هم آهنگی، وحدت و انسجام مردم ساکن کشور میباشد، جنرال دوستم افزود مابدون در نظر داشت مسایل سیاسی و دیپلوماتیکی مردم هزاره را قلباً " یگانسه دوست خود میدانیم و گفته بودم که در راه ملاقات با استاد مزاری اگر مری هم بخورم باکی ندارم، جنرال دوستم در آخر ضمن بیان این نکته که با تفاهم میتوانیم قضایای افغانستان را حل و فصل نمائیم. بعد از آن تحائف باارزوی از سوی جنرال دوستم به استاد مزاری و متقابلاً از سوی ایشان به جنرال دوستم اهدا گردید.

پس از ملاقات که در حضور شورای نظارت و تصمیم گیری حزب وحدت اسلامی و هیئت همراهی جنرال دوستم انجام گرفت بعد از آن جنرال دوستم با استاد مزاری سه تنهائی و دویدو حدود سه ساعت و نیم به گفتگو پرداختند بعد از ختم مذاکره هر دو طرف اظهار طرف از جریان مذاکره اظهار رضایت نمودند که حزب وحدت و جنبش ملی اسلامی از مواضع واحدی برخوردار نمایند در آخرین ملاقات جنرال دوستم و هیئت همراهش به ضیافت نهاریکه برای آنان ترتیب داده شده بود شرکت کردند.

همین خبر گذاری می افزاید که کمیون مشترک بین حزب وحدت و جنبش ملی اسلامی و شورای نظارت تشکیل شد و بعد از ظهر روز جمعه ۱۸ ر ۲۲ نمایندگان حزب وحدت اسلامی و جنبش ملی اسلامی و شورای نظارت با میانجیگری جنبش ملی در مورد آتش بس و رعایت کامل آن مذاکراتی انجام دادند درین مذاکرات که در مقر گروپ اوپراتیو جنبش ملی اسلامی واقع در چمن حضوری انجام پذیرفت نمایندگان حزب وحدت و شورای نظارت روی موضوعات قطع آتش باری، بالای مناطق مسکونی و رعایت آتش بس بحث و تبادل نظر نمودند و قرار بر آن شد که هر دو طرف در گیر پینچ نفر با صلاحیت خود را معرفی نمایند و ناظر بر آتش بس در مناطق غرب کابل، مرکز شهر، کوه تلویزیون، کوه سیلو اوپراتف جنبش ملی وظیفه دار شود و طبق توافقی که صورت گرفت قرار شد سه نفر از قوماندانان حزب وحدت، شورای نظارت و جنبش برای نظارت بر آتش بس بالای کوه سیلو و سه نفر بالای کوه تلویزیون و سه نفر در مناطق تحت کنترل حزب وحدت و سه نفر در مناطق شورای نظارت مستقر گردند.

قابل یادآوری است که در چندین

توافقات قبلی متاسفانه از طرف شورای نظارت تخلف صورت گرفته و به هیچ یکی از توافقات عمل نشد.

اداره طلوع وحدت

گزیده اخبار

رادیوی بی بی سی ۱۶ ر ۴ ر ۱۳۷۲

جنرال رشید دوستم امروز در کابل با یکی از رهبران حزب وحدت عبدالعلی (مزاری) گفتگو کرده است، هر دو طرف بعد از این گفتگو گفتند مذاکرات شان درباره نحوه برقراری صلح در کابل تا ایجاد ائتلاف جدید بوده است، خبرنگاری بی سی کذارش میدهد در سال جاری بین نیروی حزب وحدت و نیروهای وفادار به ربانی برخورد های شدیدی روی داده است و جنرال دوستم با هر طرف دارای مناسبات نزدیک داشته، جنرال دوستم گفت تا حصول توافق درباره پایان بخشیدن جنگ به اقامت خود در کابل ادامه خواهد داد.

ملاقات رشید دوستم با عبدالعلی مزاری رهبر حزب وحدت در غرب کابل که تحت کنترل نفرت حزب وحدت است صورت گرفت، جنرال دوستم که در حال حاضر که در کراخ ریاست جمهوری بسر میبرد گفت که او در ملاقات با عبدالعلی مزاری درباره راههای پایان جنگ و برقراری یک آتش بس دائمی در کابل گفتگو کرده است، شرح این ملاقات را آمنة شهیر چنین میگوید:

ملاقات میان جنرال دوستم و (مزاری) در کارته ۳ واقع در غرب کابل که تحت اداره حزب وحدت است صورت گرفت این ملاقات ۴ ساعت بطول انجامید و هر دو رهبر گفتند مذاکرات شان روی برقراری صلح در شهر بوده است، در ختم ملاقات امروزی جنرال دوستم نتیجه مذاکرات را اینطور شرح داد.

جنرال دوستم: مذاکرات ما بسیار خوب بود و مذاکره ما برای قطع جنگ در شهر کابل بخاطر آرامی مردم شهر کابل، بخاطر آتش بس دائمی بین دولت و حزب وحدت بهمین ارتباط بود بخاطر رهائی اسرای دو طرف و حال همراهی رهبر حزب وحدت به توافق رسیدیم و اونجا هم میرویم همراهی دولت گپ می زنیم در جنگ های اخیر دو طرف اسرای زیادی دارند و اینها را بشود و مردم آزاد و آرام زندگی بکنند.

عبدالعلی (مزاری) رهبر حزب وحدت در مورد مذاکرات خود با جنرال دوستم با همکاران حامد علمی این چنین صحبت کرد.

استاد مزاری: مذاکره ما خوب بود مفید بود برای صلح و آرامش توافقاتی کردیم که جنگ دگر نشود بکلی در کابل دیگر جنگ نشود.

خبرنگار: خوب توافقاتی که داشتید امضا شده است؟
استاد مزاری: مذاکرات ادامه دارد، امیدواریم که همه جانبه مذاکره شود و مشکلات کابل کلاً حل شود.

خبرنگار: مزاری صاحب گفته میشود که سبب جنرال دوستم میخواهد که در یک ائتلاف تازه گروهها متحد شود، درین اتحاد تازه کدام نیروها میتواند شرکت کنند؟

استاد مزاری: صحبتی که ما با جنرال دوستم داشتیم ما برای امنیت و صلح برای کابل بوده توافق ائتلاف جدیدی مطرح نیست فقط همه طرف های درگیر بناست تفاهم بکنند که دیگر جنگ پیش نیاید.

خبرنگار: جنرال دوستم به کابینه که شما از او کابینه پشتیبانی میکنید هیچ در او کابینه شرکت ندارد و او از کابینه پشتیبانی نمیکنند نظر شما در این باره چیست آیا شما اورا متقاعد ساختید؟ تا در کابینه شرکت کند.

استاد مزاری: جنرال دوستم مخالفتی در شرکت کابینه نداشتند ولی این در جلسه جلال آباد از طرف رهبرها مخالفت شده بود و ما معتقد هستیم که آقای حکمتیار و آقای ربانی متقاعد شده که در کابینه این هارا سهم بدهد و اینها هم خواهان صلح و آرامش اند.

آقای مزاری همچین گفت برای شرکت دادن جنرال دوستم در کابینه او با طرفین ر، بیس جمهوری نخست وزیر صحبت خواهد کرد و تضمین حل مسئله را می کند در حالیکه ملاقات میان جنرال دوستم و عبدالعلی مزاری صورت میگرفت صداهای شلیک با فیر گلوله از اطراف شهر بگوش میرسید، جنرال دوستم در این رابطه گفت که مذاکرات برای برقراری صلح جریان دارد و هر یک فیصله قطعی خواهد رسید و ارتار سیدن به یک فیصله قطعی در کابل خواهد ماند، جنرال دوستم علاوه بر این که رهبران گروههای مختلف دیدار کرده است دیروز نماینده آقای حکمتیار هم ملاقات کرد از حامد علمی اطلاعاتی بیشتری درین ملاقات خواستیم:

حامد علمی: دیروز نماینده آقای حکمتیار همون جریر در قرارگاه جنرال دوستم در جنوب شهر کابل با وی دیداری یکساعته داشت زمانیکه از جنرال دوستم پرسیده شد که مذاکرات روی چه موضوعاتی بود جنرال دوست گفت در نظر داریم تا یک نشست میان چند جناح که عبارت از آقای ربانی، احمد شاه مسعود، آقای (مزاری) و آقای حکمتیار و شخص دوستم در کابل ترتیب شود، بنا روی این موضوع بانمایند آقای حکمتیار مذاکراتی صورت گرفت، جنرال دوستم مذاکراتش را بانمایند آقای حکمتیار



خیلی مفید خوانند در حالیکه پریدندت ربانی برای اشتراك در کنفرانس ایکو در ترکیه — بصری برد • خبرگذاری حزب وحدت اسلامی از کابل اطلاع میدهد که آقای حکمتیار نخست وزیر منتخب بدنبال ملاقات آقای همایون جریر نماینده حرب اسلامی با جنرال دوستم باهم دیدار و روی مسائل مورد علاقه ملاقات و مذاکره نموده اند •

زینب کبری پرچمدار پیام عاشوری

در قیام و انقلاب امام حسین (ع) در صحرای کربلا زینب کبری (س) دختر بزرگ علی (ع) سهم بسزائی داشت — چنانچه طبری یکی از مورخین برادران اهل سنت و جماعت مینویسد، پس از به شهادت رساندن امام حسین (ع) و یارانش " یزید دستور داد مجلس بیسابقه ترتیب دهند که در آن همه شخصیتهای خارجی که مقیم پایتخت وی هستند و اشراف و سران شام شرکت کنند، در آن مجلس خود بر بالای تخت زرنگار نشست و مظاهر قدرت خویش را نمودار ساخت، درین هنگام دستور داد سرمقدس سید الشهدا امام حسین (ع) را حاضر و اهل بیت آنحضرت را وارد مجلس نمایند. یزید با چوبی که در دست او بود نسبت به دهان و دندان آن بزرگوار اساءهء ادب مینمود " آری مستی و نخوت و غرور آنچنان بر او غلبه کرد که عداوت و کینهء شدید او و خاندان او در باطن نسبت به اسلام و پیامبر عالیقدر آن در دل داشتند یکباره علنی ساخت و با صراحت تمام مقدس ترین مسائل اعتقادی اسلام را مورد انکار و استهزا قرار داد در آن مجلس ضمن خواندن اشعاری چنین گفت :

" ایکاش بزرگان قبیلهء من که در جنگ بدر کشته شدند حاضر می بودند و میدیدند که طائفهء خزرج چگونه از شمشیر ها و نیزه های ما بفریاد و ناله آمدند تا آنگاه از خوشحالی فریاد بر می آوردند و می گفتند اهلا " و سهلا " مرحبا ای یزید دست تو شل میباد، ما بزرگان بنی

" طلوع وحدت "

چریده : سیاسی، فرهنگی، عقیدتی، خبری صاحب امتیاز : حزب وحدت اسلامی ۰۰۰ زیر نظر : کمیون فرهنگی •

مدیر مسئول : م، ط، حاج نظری مراکز پخش : دفاتر نمایندگیهای حزب وحدت آدرس پستی : کوئته پاکستان پست بکس ۱۲۲ نمبر فاکس (۷۲۲۷۹)

هاشم را کشتیم و آن را بحساب جنگ بدر — گذاریدیم و این پیروزی را در برابر شکست آنروز قرار دادیم، محمد با حکومت بازی کرد و لانه خبری از آسمان داشت و نه وحی بر او نازل شده بود و من از نسل خندف نیستم اگر از فرزندان احمد انتقام نگیرم، سخنان اهریمنی یزید که با صراحت اشعار برانکار نبوت بود و انتقام از پیغمبر بمیان آورد و کشتن سیدالشهدا (ع) و یاران او در برابر شکستی که نصیب کفار قریش در جنگ بدر شده بود قرار داد، سخنان او در — مجلس طنین شومی انداخت و اثر بسیار بعد در افکار و دلها گذاشت، این سؤال در ذهن ها راه یافت، آیا یزید به پیغمبر ناسزا میگوید و دشمنان آنحضرت و کفار قریش را بغضمت بیاد میکند؟ قدرت او آنچنان بر سراسر کشور و بر همه سایه افکنده بود که کمترین خیال اعتراض مرگ حتی و قطعی را بدنبال داشت اما این قدرت اهریمنی از نظر خانواده اسرای — امام حسین (ع) وحشت انگیز نیست آنانیکه این بارگران را تحمل کردند تا ر هستی اسلام و موجودیت آن دفاع نمایند و آنانیکه اسارت را پذیرفتند تا اسلام و عدالت و آزادی را از اسارت حکومت کفر و الحاد بنی امیه نجات بخشند • اکنون برای کاروان تبلیغی امام حسین (ع) که پرچمدار پیام عاشورا بود در کناره امام سجاد (ع) قرار دارد و رسالت پبیاپسانی خون سجاد (ع) قرار دارد و رسالت پیام رسانی خون پاک شهادت ابعده دارند فرصت وزمینه خوبی است که بهر قیمتی که شده در برابر پیاوه گوئیهای یزید عکس العمل شدید نشان دهند و با منطق رسای خود آن مرد مغرور و فتنه مایه را بر جای خود بنشانند، اینجاست که دو اختر علی (ع) همچون شیر خشمنده از جای برخاست و با شهامت کم نظیر و صدای رسا خطبهء کوبنده و آتشین ایراد کرد خطبهء که قلب تاریکهای ستم را شکافته و چون ماعقهء بزرگ حیثیت پوشالی دودمان اموی را طعمهء حریق نموده و اذهان یک عمر تحمیل شده یلک نسل را دیدرگون نمود و چون زمین لرزه مهم عنودگان بستر جهل و ناآگاهی را از خواب گران بیدار و بسوی نور مطلق رهنمائی نمود، دختر علی (ع) باشکوه مندی خاص خطابهء خویش را با حمد و ثنای الهی و درود بروح پاک خاتم الانبیا آغاز و سپس شخص یزید را مخاطب قرار داده فرمود " ای یزید آیا گمان کردی از اینکه آسمان وز زمین را بر ماتنگ گرفتی و مانند اسیران ما را بشهرها و دیارها گرداندی مادر نزد خدا — خوار و پیستیم ولی تو قدر و منزلت داری و با این خیال بادیدماغ افگندی و بانگاه غرور و نخوت به اطراف خود مینگری در حالی که سرور و فرحناکی ۰۰۰ آرام باش مگر فراموش کرده ای گفتار خدای را که در قرآن میگوید " گمان

نکنند آنها که راه کفر باز گشتند که آنچه ما برای آنها پیش می آوریم ز آنها استیلاست میدهیم به نفع آنان و بخیر و سعادت آنهاست نه بلکه این مهلت برای اینست که بر کفایت خود بیفزایند و برای آنها عذاب خوارکننده در پیش است، سپس روی مهمترین جنایات یزید که جنبهء حیسی داشت برای یزید هیچگاه قابل توجیه نبود ناخن گذاشت و فرمود " آیا این از عدل تو است ای پسر آزاد شده گان (اینک زینب یزید را بعنوان فرزند تلقی میخواند بدینسان فتح مکه اشاره میکند که در آنجا پیغمبر اسلام بزرگان مکه را که ابوسفیان جد یزید هم در میان آنها بود مورد عفو قرار داد و آنان را — آزاد ساخت

و فرمود (اذهبوا فانتم الطلقاء) که زنان و کنیژان خود را در پشت پرده جای دهی ولی دو دختران پیغمبر را در میان نامحرمان حاضر سازی و آنها را با دشمنان شان در شهرها بگردانی و اهل بادیه ها و دور و نزدیک و پیست و شریف آنها را به بینند در حالیکه از مردان آنان کسی را باقی نگذاریدی و حمایت کننده ندارند ۰۰۰۰ ای یزید این جنایتهای عظیم را انجام دادی آنگاه نشسته و بدون آنکه خود را گناه کار بدانی یا جنایت خود را بزرگ بشماری میگوئی " ایکاش پدران من بودند و از سرور و شادمانی فریاد بر میآوردند و میگفتند ای یزید دست تو شل میباد (این جمله رامی گوئی در حالیکه با چوب دستی بردند آنها را مقدس سید جوانان اهل بهشت میگوئی — آری پیام رسان عاشوری خواهر داغدار حسین (ع) عملی را بروخ یزید کشانید و در برابر یزید قرار داد که دیگر او نتواند افکار ساده دلان را فریب داده و خود را از آن تبرئه نمایند و گناه آن بگردن پسر زباید و پاکسان دیگر اندازد، ژبر این دیگر پسر زباید نبود که چنین مجلسی را ترتیب دهد و اینگونه با خاندان وحی و فضیلت رفتار نماید آنان را در مجلس احضار و نسبت بسر بر بریدهء حسین (ع) اشائه ادب نماید •

خطابهء داغ و آتشین زینب در مجلس یزید آنهم در آنانیکه یزید میخواست با — کشیدن قدرت پوشالی و اهریمنی خویش ب مردم زهر چشم نشان داده و هرگونه جرئت را از آنان سلب نماید، ولی زینب کبری (س) نقاب از چهرهء ددمنیشانه آنان که کاذبانه خویش را حامی اسلام وانمود نموده و در واقع خطرناک ترین دشمنان اسلام بودند برداشت، پیام خون بناحق ریخته شدهء برادرش را آنطوریکه لازم بود و ایجاب مینمود ابلاغ کرد و یزید را رسوا ساخت •

پایان